جمیع ما مثل گوسفندان گم‌شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود... اشعیا ۵۳: ۶

حکمت خداوند یا حکمت شما

موضوع اصلی زندگی شما دقیقاً همین است. اصلاً مهم نیست که آیا شما این بخش کوچک از الهیات سیستماتیک را می‌دانید یا خیر؛ این نکته اصلی نیست. پرسش اصلی این است که حکمت خدا یا حکمت شما؟ راه‌های خداوند یا روش‌های شما؟

هر چیزی که برایش زندگی کرده‌ایم، به آن امیدوار هستیم و یا آروزیش را داریم اعم از زندگی، امنیت، شادی، آسمان، ابدیت، حضور خداوند و ... به این بستگی دارد که آیا شما حکمت خدای تثلیث را آنگونه که در کتاب مقدس آشکار شده است قبول کرده‌اید یا افکار و روش‌های خودتان را قبول دارید و در پیش می‌گیرید؟

بهترین و کامل‌ترین تعریف از گناه که من سراغ دارم در اشعیا ۵۳: ۶ ارائه شده است: «جمیع ما مثل گوسفندان گم‌شده بودیم که هر یکی از ما به راه خود برگشته بود.» بازگشتن به راه خود به چه معنا است؟ یعنی بازگشتن به ذات گناه‌آلود خودمان! چرا ما به راه خود بازمی‌گردیم؟ آیا دلیلی به جز این دارد که روش‌های خودمان را حکیمانه‌تر از راه‌های خدا می‌دانیم؟ این نقطه اصلی زندگی ما است. این تفاوت میان یک کلیسای زنده و مرده است؛ تفاوت میان زندگی پر از روح و زندگی پر از خودمان! چه کسی کنترل اوضاع را بر عهده دارد؟ چه کسی رئیس است؟ حکمت چه کسی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ حکمت خدا یا حکمت انسان؟

## ای پدر آسمانی، چقدر احمق هستم زمانی که به جای حکمت لایتناهی تو به دانش محدود خودم اعتماد می‌کنم. خداوندا مرا به خاطر تک تک لحظاتی که کنترل زندگی را از دستان تو گرفته و خودم خدا و رهبر زندگی‌ام شده‌ام ببخش! لطفاً کمکم کن امروز کاملاً تسلیم تو باشم و با تمام وجود به تو تکیه کنم. لطفاً در همین لحظه کنترل زندگی‌ام را در دستان خودت بگیر. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*